



علی ورامینی

دبیر گروه فرهنگ

جهان عجیبی داریم. روزنامه‌نگاری در واشنگتن، صبح بلند می‌شود، به هزاران کیلومتر آن طرف‌تر فکر می‌کند؛ به اینکه اصلی‌ترین و استراتژیک‌ترین شریک خاورمیانه‌ای آمریکا مشغول نسل کشی و آواره کردن میلیون‌ها آدم است و او هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید. از اینکه هیچ کاری از دستش بر نمی‌آید و جریان اصلی رسانه هم مشغول خون‌شویی و زدودن کثافت از چهره نتانیاهاوند دچار استیصال شده و برای برون‌رفت از این استیصال به خشونت علیه خود دست و دست چپش را جلوی کاخ سفید آتش می‌زند.

کمی عمیق‌تر شویم واقعاً «ساموئل منا جونبور» کار عجیبی کرده است. شهروند آمریکایی‌ای که هیچ تجربه‌ای از زندگی در خاورمیانه ندارد، روزنامه‌نگاری که احتمالاً حقوق بالایی می‌گیرد و می‌تواند سر در زندگی روزمره خود داشته باشد و دور از آشوب و بلاي جهان به آخر هفته و تعطیلات کریسمس فکر کند، به یکباره تصمیم می‌گیرد دیگر جانش نمی‌کشد خود را همدست شیطان ببیند و علیه وضعیت موجود و نسبت خودش با این اوضاع می‌شورد؛ پرهزینه‌ترین مسیر برای شوریدن علیه این وضعیت را هم انتخاب می‌کند.

پیش از انتشار این خبر، فیلمی از دو فعال رسانه و به اصطلاح کارشناس ایرانی منتشر شده است که در میزگردی نشست‌اند و درباره حمله اسرائیل به ایران صحبت می‌کنند. هر دوی آنها تجربه زندگی در ایران را دارند. احتمالاً هر دوی آنها هنوز قوم و خویش دور یا نزدیکی در این کشور دارند، یا الاقل دوست و رفیقی. همه این‌ها را هم نداشته باشند هنوز فارسی صحبت می‌کنند و خود را ایرانی می‌دانند. حتی این‌ها ندانند بالاخره خود را انسان که می‌دانند، این دو انسان نشست‌اند در استودیویی در لندن، هزاران کیلومتر دور از ایران درباره اینکه بمب کجا و چگونه روی سر انسان‌های دیگری که در دورترین حالت هم‌زبان آنها هستند ریخته شود صحبت می‌کنند. بر سر مکان با هم اختلاف جزئی دارند و بر سر دور شدن از انسانیت و شرافت اما نه. چنان درباره درگیر شدن میلیون‌ها آدم با جنگ و بدبختی صحبت می‌کنند که انگار مشغول تحلیل بازی کال آف دیوتی هستند. مایه تأسف است که این دو، از جمله اپوزیسیون بودند که لااقل سعی می‌کردند ویتنری خود را حفظ کنند. می‌دانم در پدید آمدن این وضعیت مقصران ریز و درشتی داریم. بارها از آنها صحبت شده است. سخن این است که هیچ کدام از اینها نباید سلب مسئولیت فردی کند. هر قدر هم آدمی رنج و دردکشیده باشد، اگر کشیده باشد دلیل موجهی برای به سخره گرفتن جان انسان‌های دیگر نیست، چه خواسته که درباره وطن و جان هموطنان مثل یک بازی صحبت کنی. بزنگاه‌هایی این چنینی، از اعتراضات ۱۴۰۱ گرفته تا به امروز که سایه شوم جنگ بر سر مردم بیشتر از هر وقت دیگری سنگینی می‌کند، اگر هزار ضرر و مصیبت دارد یک چیز خوب دارد؛ اینکه مشت همه مدعیان را باز می‌کند. اینکه چه کسی دغدغه ایران و ایرانی دارد، چه کسی تنها به منفعت فردی خود فکر می‌کند یا در بهترین حالت نمی‌تواند حب و بغض‌های شخصی خود را از سخن و کردارش جدا کند. اینکه چه کسانی مشغول در پروژه دشمنان «ایران» اند و چه کسانی دغدغه خیر جمعی دارند. به اصطلاح کارشناسان و خبرنگارانی که این روزها از احتمال جنگ و مصیبت‌هایش برای ایران ذوق‌مرگ هستند کاش شرف را لااقل از دانش‌ر زاهدی یاد می‌گرفتند. او که طعم زندگی درباری هم چشیده بود و در بزنگاهی چنین نه به فکر بازگشت به آن زندگی که به ایران و ایرانی فکر می‌کرد.

مثل روز روشن است فراروز ایران ویران شود و اصلاً نظام مستقر سیاسی هم برود، هیچ کدام از این ذوق‌مرگان جنگ حتی برای یک روز هم حاضر نیستند به ایران برگردند. در نهایت مثل همین تحلیل‌هایشان از استودیوی لندن و آمریکا بادی در غیغیب می‌اندازد و می‌گویند این خبری است و بعد از استودیو هم پرتی جنگ است و هزینه آزادی. بعد از استودیو هم به اولین کافه می‌روند نوشیدنی سفارش می‌دهند. این روزها که می‌آیند و می‌روند و به قول خواجه شیراز محک تجربه به میان می‌آید، آنها که غش دارند سیه‌روی می‌شوند. آنکه جنگ که یعنی کشته شدن مردم، آوارگی و فلاکت برای ایران آرزوی می‌کند یعنی فارغ از هر طرز تفکری و هر ایدئولوژی‌ای از مرز اخلاق و انسانیت عبور کرده‌اند. کاش پای تریبون این‌ان نشینیم.

تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
لیتوگرافی و چاپ: هممیهن. تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشرگستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۹۱۳۰۴۱۴۲



راننت بیرو!

بررسی حکم انضباطی علیه دروازه بان تراکتور که به دلیل ملی پوش بودن از یک محرومیت سنگین فرار کرد



سیهر خرمی

گزارشگر ورزشی هممیهن

توسط کارشناس مالی فدراسیون فوتبال به سودباشگاه پرسپولیس اعلام شد و صحبت‌های بیرانوند نیز در این زمینه رند شد.

▼ کمیته تعیین وضعیت قانون را دور زد؟

عصر شنبه اما رای بیرانوند از سوی کمیته تعیین وضعیت رسماً اعلام شد که فراتر از شکست‌انگیز بود. در رای اعلام‌شده رسماً بیرانوند متخلف معرفی شده و مبلغ ۲۰ میلیارد تومان نیز جریمه باید به باشگاه پرسپولیس از سوی او پرداخت شود اما محرومیت ۴ ماهه او تعلیقی قید شده که باعث عصبانیت هواداران فوتبال و البته شوکه شدن کارشناسان حقوقی شده است. دلیل محرومیت تعلیقی اما باورنکردنی‌تر از سایر نکات است. فدراسیون فوتبال در صفحه ۴۶ انشاسی حکم علیه‌ضابطه‌ای اعلام کرده: «نظر به حسن سوابق بازیکن در تیم ملی و حضور مؤثر در بازی‌های ملی، همچنین فقدان سابقه محکومیت قبلی در این کمیته، مجازات ورزشی او به مدت یکسال تعلیق می‌شود که در صورت تکرار در این مدت، علاوه بر مجازات ورزشی آنی، محرومیت تعلیقی نیز اجرا خواهد شد.» به عبارتی حضور بیرانوند در تیم ملی باعث شده تا کمیته تعیین وضعیت برای جلوگیری از محرومیت او، از کارگروه ناظر بر دستورالعمل نقل و انتقالات در فدراسیون استعلام بگیرد و پس از آن، حکم محرومیت این دروازه‌بان را تعلیقی کند تا او مشکلی برای حضور در تیم ملی و تراکتور نداشته باشد.

تخلقی که عنایت در همین حکم اعلام شده موضوعی است که رسول باختر در گفت‌وگو با «هممیهن» عنوان کرده است. رسول باختر می‌گوید، کمیته تعیین وضعیت طبق هیچ بند حقوقی نمی‌توانسته در خصوص این موضوع محرومیت تعلیقی برای بازیکن لحاظ کند، با توجه به مستندات موجود و حتی توضیحات کمیته تعیین وضعیت، بیرانوند دچار تخلف در فسخ یک‌طرفه قرارداد شده و باید چهار ماه محروم می‌شد. در قوانین کمیته انضباطی فیفا هم چیزی به عنوان محرومیت تعلیقی برای بازیکنی که فسخ یک‌طرفه کرده نداریم. باختر در ادامه افزود: «در بحث فسخ غیرموجه، محرومیت تعلیقی نداریم و برای تعلیق آن شرایط خیلی خاصی وجود دارد که در رای به بند ۸ ماده ۱۸ استناد شده، اما باز هم مطابق با شرایط فعلی نیست و نباید محرومیت تعلیقی در نظر گرفته می‌شد. به‌نظر من چنین رأی برای این است که دو طرف را راضی نگه دارند.»

▼ امتیاز افراقونی

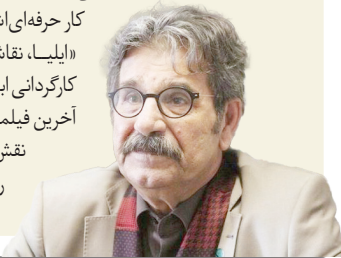
بعد از فسخ یک‌طرفه و غیرقانونی بیرانوند و رأی که عملاً به سود او اعلام شده این سوال پیش می‌آید که کمیته تعیین وضعیت با لحاظ نکردن بندهای قانونی و امتیازی که برای بیرانوند به‌عنوان بازیکن ملی‌پوش در نظر گرفته، عملاً دور زدن قانون برای برخی افراد خاص را تبلیغ کرده است. حالا سایر بازیکنان ملی‌پوش نیز با استفاده از همین متنی که کمیته تعیین وضعیت در رای بیرانوند لحاظ کرده، بدون توجه به قراردادی که دارند قراردادشان را یک‌طرفه فسخ می‌کنند و به نیم دلخواه خود می‌روند. سوال این است که به چه دلیل برای ملی‌پوش بودن یک بازیکن باید امتیاز خاصی در نظر گرفت؟ خودروهای لوکس چندده میلیاردی کافی نبود؟ که حالا برای تخلف آنها نیز قوانین شباهت تغییر می‌کند؟ در حکم بیرانوند چنین آمده که اگر بیرانوند دوباره به‌صورت یک‌طرفه قراردادش را به‌شکلی غیرقانونی فسخ کرد، چهار ماه محرومیت او لحاظ می‌شود؛ بنابراین کمیته تعیین وضعیت پذیرفته که بیرانوند تخلف کرده به همین دلیل او را ۲۰ میلیارد تومان جریمه کرده اما محرومیتی برای او در نظر نگرفته تا به‌راحتی یک بازیکن متخلف به بازی در زمین فوتبال ادامه دهد. ظاهراً این جریمه ۲۰ میلیاردی را هم تراکتور پرداخت می‌کند تا خدایی نکرده بیرانوند ناراحت نشود. کاش مسئولینی که چنین رأی صادر کردند، می‌دانستند ملی‌پوش بودن، دلیلی بر داشتن امتیاز بیشتر یا رانت غیرقانونی نیست. بازیکنی که تخلف کرده در همه جای دنیا جریمه می‌شود و محرومیتش را طی می‌کند.

چهره

هنرمندی که شادی را خوب می‌شناخت

«من با درد به آگاهی رسیدم؛ با غم و اندوه به وجود شادی آگاه شدم. شادی را خوب شناختم و از آن حفاظت کردم، مسیر زندگی من همیشه پر از تجربه بوده و بایگانی ذهنم سال‌ها تجربه را در خود ذخیره کرده است.» این‌ها جملات یکی از مسافران قطار مرگ سال‌های شمیوع ویروس کرونا در مورد خودش بود: عزت‌الله مهرآوران، هنرمندی که شامگاه جمعه ۱۶ مهرماه ۱۴۰۰ به علت سکنه قلبی ناشی از ابتلا به ویروس کرونا در ۷۲ سالگی از دنیا رفت. عزت‌الله مهرآوران متولد ۱۸ اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۸ در مسجدسلیمان بود. او در سال ۱۳۵۰ وقتی ۲۲ ساله بود، در نمایش «حجله بید» روی صحنه حرفه‌ای تئاتر رفت تا اینکه سال ۱۳۵۳ با فیلم «سایه به سایه»، بازی جلوی دوربین را تجربه کرد. مهرآوران سال ۱۳۶۱ با فیلم «فیدوس» به‌عنوان کارگردان و بازیگر به عرصه هنر بازگشت و سال ۱۳۶۵ با سریال «داستان زندگی» وارد قاب تلویزیون شد. او خودش اولین کار حرفه‌ای‌اش را بازی در فیلم سینمایی «ایلیسا، نقاش جوان» در سال ۱۳۷۰ به کارگردانی ابوالحسن داوودی می‌دانست.

آخرین فیلمی که این بازیگر در آن ایفای نقش کرد، «خوابم می‌آد» ساخته رضا عطاران است.



کتابخانه

راهی برای برون‌رفت از وضعیت امروز

کتاب «آن چه می‌توان گفت و آن چه نمی‌توان گفت» را باب دموکراسی (جستارها و گفت‌وگوهایی در باب دموکراسی و روشنفکری جهان)، نوشته آرنولد آزی روی و جان کوساک، با ترجمه فرهاد محرابی در ۱۵۸ صفحه توسط انتشارات کتاب پنجره منتشر شد. کتاب حاضر در واقع یک سفرنامه روشنفکری است. شرح سفر و ملاقات آرنولد آزی روی، دانیل السبرگ و جان کوساک با آوادرا استون در مسکو که بهانه‌ای می‌شود برای طرح و تحلیل برخی از کلیدی‌ترین موضوعات روشنفکری معاصر جهان؛ از جاسوسی دولتی و خطراتی که متوجه دموکراسی می‌کند تا نقد و بازاندیشی در معادلات سیاسی - فکری موحشی که فضای سیاسی معاصر در عرصه جهانی را به خود اختصاص داده است. طرح همه این موضوعات از مجرای گفت‌وگوها و جستارهایی میسر می‌شود که با زبانی صریح و روشن و با این حال دقیق و روشنگرانانه، سوبه‌ای مغرب و تاریک گفتمان دولت مدرن و نیز رسالت و نقش «روشنفکر» در جهان کنونی را به بحث می‌گذارد تا شاید از مجرای آن‌ها گونه‌ای «تخیل سیاسی» آلترناتیو برای برون‌رفت از وضعیت امروز جهان طرح کند.



آن چه می‌توان گفت و آن چه نمی‌توان گفت:

آرنولد آزی روی و جان کوساک

مترجم:

فرهاد محرابی

انتشارات: کتاب پنجره

تاریخ

اعلان جنگ عثمانی به روسیه



روسیه را می‌توان از قدرت‌های نوظهور قرن هجدهم اروپا دانست. لهستان اما در این قرن رو به افول نهاده بود و نشان‌های قدرت پیشینی‌اش در قرون ۱۴ تا ۱۶ نداشت. همین ضعف باعث شده بود روسیه و عثمانی، هر دو به لهستان چشم طمع داشته باشند. به همین دلیل کاترین کبیر، ملکه روسیه تزاری در ادامه کشورگشایی‌های خود، نیروهای روسیه را به لهستان فرستاد و در پی آن، امپراتوری قدرتمند عثمانی نیز در هفتم اکتبر ۱۷۶۸ م (۱۶ مهرماه ۱۱۴۷ خورشیدی) به روسیه اعلان جنگ کرد. هر چند در طول قرن هجدهم، جنگ‌های متعددی بین دو امپراتوری روسیه و عثمانی در گرفت ولی جنگ این دو بر سر لهستان را می‌توان مهم‌ترین آن‌ها برشمرد. در این جنگ، به علت ضعف داخلی امپراتوری عثمانی و توانمندی قوای روسیه، نظامیان عثمانی در زمین دریا دجل شکست‌های بزرگی شدند. از این رو، در سال ۱۷۷۴ م، پیمان متارکه جنگ بین دو طرف امضاء شد که براساس آن، ناحیه کریمه در شمال دریای سیاه، استقلال یافت و پس از مدتی به روسیه ملحق شد. هم‌چنین در پی تحولات ناشی از جنگ طولانی مدت روسیه و عثمانی، لهستان نیز بین سه کشور اتریش، پروس و روسیه تقسیم شد.